



گرامی باد ۸ مارس روز جهانی زن!

مضحکه "انتخابات شوراها" را باید به شکست کشاند!

گذاردند، همانجا را میتوان به محل اعتراض جمعی بدل کرد و بساطشان را به هم زد. روز برگزاری این مسخره بازی، سران و مزدوران رژیم روحیه باخته تر از همیشه خواهند بود. نمایش رسوای "مردمسالاری اسلامی" را باید بر سر برگزارکنندگانش خراب کرد. حزب کمونیست کارگری ایران شما را فرامیخواند که با اعتراضات دسته جمعی خود در هر کوی و برزن و هر کوچه و خیابانی بساط این مسخره بازی رژیم را به هم بریزید.

حزب کمونیست کارگری ایران
۶ اسفند ۱۳۸۱
۲۵ فوریه ۲۰۰۳

که دوره این کارها تمام است. مردم دیگر قبول نمیکنند. مردم هر جا که صندوقی هست، همانجا را به محل اعتراض بدل خواهند کرد و بساط اوپاش اسلامی را بهم خواهند زد. رژیم اسلامی هر آخوند یا کلاه یا بی کلاهی را از صندوق در بیاید همه دنیا خواهند دید که مردم برنده شدهاند. روز "یوم‌الله" رژیم اسلامی به روز مردم تبدیل شده است.

این مسخره بازی را باید به هم ریخت. نه فقط نباید در آن شرکت کرد بلکه باید با اعتراض دسته جمعی بساط آن را برچید. تجمع و اعتراض مردم میتوانند ماموران رژیم را ناچار کند که از پهن کردن بساط تنگنیشان منصرف شوند. هر جا هم صندوق می

برگاری "مضحکه انتخابات شوراها" رکورد جدیدی در وقاحت رژیم اسلامی است. مردم میخواهند جمهوری اسلامی برود. جمهوری اسلامی نمیتواند خود را به نفهمی بزند. مردم نخواهند پذیرفت. نه تنها نباید در این بالماسکه، که جمهوری اسلامی به آن نام انتخابات داده، شرکت کرد باید به رژیم فهماند که نمیتواند به مردم این گونه توهین کند. این نمایش مسخره، اهانت به مردم است. اهانت به حق انتخابات است، اهانت به اصل دخالت آحاد مردم در سرنوشت سیاسی جامعه است و اهانت به حق رای شهروندان است.

مردم آزادیخواه! زنان! جوانان!
باید به جمهوری اسلامی فهماند

حکومت اسلامی قاتل آنهاست!

فاتح بهرامی

پنج دختر جوان ۱۴ تا ۱۹ ساله در فاصله دو روز در شیراز خودسوزی کردند و جانشان را از دست دادند. نرگس، مریم، فهیمه، زهره و گلرخ که از زن ستیزی حاکم بر جامعه جانشان به لب رسیده بود و مستاصل شده بودند، اعتراض خود به بیحقوقی و زن ستیزی در جمهوری اسلامی را با قربانی کردن جان خود ابراز کردند. جمهوری اسلامی خبر را همچون یک حادثه معمولی در صفحه حوادث یک روزنامه مطرح کرد و اصلاح طلبان اسلامی هم این فاجعه را به دلیل تعصبات خانوادگی و مشاجرات و درگیری درون خانواده گزارش کردند.

اما جمهوری اسلامی عامل و بانی این فاجعه انسانی است. خود سوزی و خودکشی زنان و دختران جوان در ایران تحت سیطره حکومت اسلامی یک پدیده اجتماعی است و زن ستیزی و توحش حکومت اسلامی تاکنون قربانیان بسیار زیادی از زنان گرفته است. سوال اینست که چرا در جمهوری اسلامی زنان در ابعاد وسیعی دست به خودکشی میزنند و چگونه میشود آنرا متوقف کرد؟

این درست است که نگاه اسلام به زن بعنوان یک موجود فرودست و بیحقوق باعث میشود که در میان بخشی از مردم که از آن اسلام تغذیه میکنند، مردسالاری و نگاه فرودست به زنان به حیات تنگنیش ادامه دهد. اما تبعیض و ستم بر زن و زیر سوال رفتن و لگدمال کردن زندگی و حقوق و حرمت انسانی او در سطح جامعه فقط در پناه حاکمیت قوانین اسلامی زن ستیز امکان بروز پیدا میکند. اگر قوانین جامعه به کسی اجازه ندهد حقوق و آزادی زن را بخاطر جنسیت او لگدمال کند، آنگاه حتی در خانواده اسلامی و مردسالار هم افکار اسلامی ضد زن قدرت مانور پیدا نمیکند. مساله اینست که در جمهوری اسلامی بر مبنای قوانین اسلامی یک زن ستیزی تمار عیار و آشکار سازماندهی شده است. به حکم قوانین اسلامی زن بیحقوق است، فرودست است، تحت ستم است و انسانی کامل نیست. بنابراین از یکسو زندگی زن در جامعه ایران توسط خود حکومت کثیف جمهوری اسلامی به نابودی کشانده شده است و از طرف دیگر حکومت دست کسانی را که بدلیل اسلامی بودن و مردسالار بودن تلاش زن برای آزادی را به بند میکشند، باز گذاشته است و مورد حمایت علنی و عملی و قانونی قرار میدهد. واضح است که اگر این پنج دختر نوجوان در یک کشور



اساس سوسیالیسم
انسان است.

سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.

منصور حکمت

انترناسیونال

هفتگی

بنیانگذار: منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: فاتح بهرامی

haftegi@yahoo.com
Fax: 0044-870 120 7768

۱۴۸

۹ اسفند ۱۳۸۱
۲۸ فوریه ۲۰۰۳

جمعه ها منتشر میشود
www.haftegi.com

دفتر مرکزی حزب

Tel: 0044-795-051-7465
Fax: 0044-870-135-1338
markazi@ukonline.co.uk

کاظم نیکخواه

در زندانها را خواهیم گشود

اقتصادی نبود، اما یک رژیم سرکوبگر و منفور از طبقه سرمایه دار بود. وقتی توده های میلیونی مطمئن شدند که میتوانند آنرا بزیر کشند، کار در عرض چند ماه تمام شد.

بهر حال این کشاکش برای بزیر کشیدن و خراب کردن دیوارهای اختناق بطور جدی آغاز شده است. مدتها قبل از هتل لاله شروع شده بود. بعد از این نیز گسترده تر خواهد شد و این آدم



زندان قصر می شنیدند. شاهد این بوده اند که آن فریاد ها دیوارهای آهنین قصر و اوین و قزل حصار را درهم کوبید و آغوش باز و صمیمی و گرم مردم آنها را در خود گرفت. امروز وقتی در برابر هتل لاله فریاد "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" بلند میشود خاطره انگیز است. آن زمان شاید حکومت پهلوی از حکومت اسلامی امروز قدر قدرت تر بنظر میرسید. دچار کشاکش درونی نبود، در سطح بین المللی منزوی نبود، دچار افلاس مالی و ورشکستگی

و جود زندانی سیاسی نشانه اختناق و سرکوب و عدم وجود آزادی است. مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی نیز دقیقا به همین دلیل خبر از بهار آزادی برای کل جامعه میدهد. بویژه برای کسانی که انقلاب ۵۷ را تجربه کرده اند، عقب نشینی دیکتاتوری آریامهری در برابر فریاد "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" را به یاد می آورند. روزهای خوش آزادی گروه گروه زندانیان سیاسی را دیده اند، و یا احيانا مثل من خود از زندانیانی بوده اند که آن فریاد ها را از درون

همه زندانیان سیاسی باید

فورا و بدون قید و شرط آزاد شوند

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



همه زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند

غربی با جمهوری اسلامی در ملل در ایران بود، ماهیت جنایتکار جمهوری اسلامی مجدداً در معرض دید جهان قرار گرفت. زندانی سیاسی جوان، ساسان آل کنعان، که نامش در لیست اسامی زندانیان سیاسی در اختیار این هیئت بود در سنندج اعدام شد. جمهوری اسلامی تلاش زیادی کرد تا از فاش شدن حقایق مربوط به وضعیت زندانیان سیاسی جلوگیری کند. کنترل محل اقامت هیات توسط نیروهای امنیتی و منع تماس حضوری و تلفنی با آنان، "ترتیب" دیدار هیات از اوین بدون دسترسی به زندانیان سیاسی، پراکنده کردن تجمع خانواده های زندانیان سیاسی در جلو محل اقامت هیات، هتل لاله، و جلوگیری دیدارشان با هیات، در عین حال دیدارهای مکرر مقامات دولتی با هیات و اظهاراتشان در توجیه جنایات و سرکوبگریهای رژیم، همگی نشان میدهند که هدف رژیم از پذیرش این سفر خنثی کردن فشارهای روزافزون داخل و خارج کشور در ارتباط با مساله زندانیان سیاسی است. بجز موارد خیلی معدود، آشکارا "تحقیق" هیات در چارچوب زندانیان رژیمی محدود ماند. از طرف دیگر محدود شدن رسمی کار هیات به تحقیق درباره "بازداشت های خودسرانه!" از سازش سازمان ملل با رژیم اسلامی در ارتباط با این سفر حکایت میکند.

طی چند روزیکه هیات سازمان ملل در ایران بود، ماهیت جنایتکار جمهوری اسلامی مجدداً در معرض دید جهان قرار گرفت. زندانی سیاسی جوان، ساسان آل کنعان، که نامش در لیست اسامی زندانیان سیاسی در اختیار این هیئت بود در سنندج اعدام شد. جمهوری اسلامی تلاش زیادی کرد تا از فاش شدن حقایق مربوط به وضعیت زندانیان سیاسی جلوگیری کند. کنترل محل اقامت هیات توسط نیروهای امنیتی و منع تماس حضوری و تلفنی با آنان، "ترتیب" دیدار هیات از اوین بدون دسترسی به زندانیان سیاسی، پراکنده کردن تجمع خانواده های زندانیان سیاسی در جلو محل اقامت هیات، هتل لاله، و جلوگیری دیدارشان با هیات، در عین حال دیدارهای مکرر مقامات دولتی با هیات و اظهاراتشان در توجیه جنایات و سرکوبگریهای رژیم، همگی نشان میدهند که هدف رژیم از پذیرش این سفر خنثی کردن فشارهای روزافزون داخل و خارج کشور در ارتباط با مساله زندانیان سیاسی است. بجز موارد خیلی معدود، آشکارا "تحقیق" هیات در چارچوب زندانیان رژیمی محدود ماند. از طرف دیگر محدود شدن رسمی کار هیات به تحقیق درباره "بازداشت های خودسرانه!" از سازش سازمان ملل با رژیم اسلامی در ارتباط با این سفر حکایت میکند.

مردم و بویژه خانواده های زندانیان سیاسی تجارب تلخ بسیاری از سازش نهادهای بین المللی، اتحادیه اروپا و دولتهای

فقط از طریق اعتراض یکپارچه و قدرتمند مردم میتوان برای آزادی زندانیان سیاسی کاری انجام داد. باید تلاش کرد تا شعار آزادی فوری و بدون قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی به شعار عمومی مردم در تجمعات و اعتراضات جاری در جامعه تبدیل شود.

رادیو انترناسیونال

۴۱ متر - ۷۴۹۰ کیلو هرتز
۹ تا ۹:۴۵ شب بوقت تهران
به دیگران اطلاع دهید
radio7520@yahoo.com
Tel: 0044 7714611099
اطلاعات و پیامگیر رادیو:
0046 8 659 0755

رادیو انترناسیونال روی اینترنت
www.radio-international.org

برای یک دنیای بهتر

برنامه تلویزیونی علی جوادی

از طریق ماهواره در تلویزیون "کانال ۱"

سه شنبه ها، ۸:۳۰ شب
جمعه ها ۳:۳۰ بعدازظهر
بوقت تهران

Fax: 001(208) 2464221

روی اینترنت
www.rowzane.com/tv/alijavadi

حکومت اسلامی قاتل آنهاست!

را لگدمال کردند، و در یک کلام به حکم اسلام و زور نیروی سرکوب و جاری کردن ناب ترین قوانین اسلامی حرمت و آزادی و حقوق انسانی زن را به گرو گرفتند. تمام ازجبار شدید مردم و تمام نفرت عمیق زنان از رژیم اسلامی باید به قدرتی متشکل برای نابودی این حکومت تبدیل شود. این دشمنان آزادی و انسانیت، این هیولای ضد زن را فقط باید از قدرت ساقط کرد تا راه برای زندگی انسان در جامعه باز بشود.

اما امروز ورق برگشته است. چند سال است که مردم آزادیخواه برای سرنگونی این وحوش اسلامی به میدان آمده اند. زنان بخش مهمی از جنبش سرنگونی هستند. تقابل بین مردم و حکومت علناً به سطح جامعه کشیده شده است. مردم و حکومت هر دو میدانند که اوضاع به نفع مردم پیش میبرد و راه پس و پیش برای حکومت وجود ندارد. این یک امید واقعی مردم برای رهایی از دست حکومت اسلامی است. اما در شرایط فعلی که هنوز این رژیم در قدرت است وضعیت طوری است که عملکرد آگاهانه و عاملانه رژیم و نیز فشار ناشی از حضور آن بهرحال بخشی از مردم را به استیصال و انفراد و حاشیه جامعه رانده است. علاوه بر این بیکاری و بی تأمینی و اعتیاد و فحشا زندگی اقلیتی از مردم را به مخاطره انداخته است. در چنین وضعیتی، بدلیل گوناگون، تکرار فاجعه شیراز منتفی نیست. باید از آن جلوگیری کرد. نباید گذاشت انسانها در خلوت خود برای خلاصی از فشار جمهوری اسلامی تصمیم به نابودی خود بگیرند. آینده را باید در مقابل آنها گذاشت. قدرت جنبش سوسیالیستی و آزادیخواهی را برای سرنگونی جمهوری اسلامی و رها شدن از فقر و بدبختی و تبعیض و نابرابری را باید به آنها نشان داد. باید به آنها نشان داد که بی پناه نیستند، بلکه جنبش مردم آزادیخواه برای دفع شر همین رژیم انسان ستیز و برقراری رفاه و آزادی و برابری به میدان آمده است و برای تقویتش باید به آن پیوست. خودکشی راه خلاصی از دست دشمن نیست، امید به آینده و شرکت در تلاش جمعی مردم برای نابودی دشمن راه حل واقعی است. این دشمن، این جمهوری اسلامی وصله ای ناجور به قبا ی جامعه بوده و رفتنی است. آینده از آن انسانهای شرافتمند است که برای تغییر وضع موجود تلاش میکنند و هدف خود را تلاش برای برقراری جامعه ای آزاد و برابر و در شان انسان تعریف کرده اند. باید به این تلاش انسانی پیوست. ■

در زندانها را خواهیم گشود

این درنده های اسلامی نیز بشنویم. باید امیدوار بود مبارزه مردم آزادیخواه درهای زندانها را بگشاید و همه زندانیان سیاسی را به آغوش بستگان و دوستان خویش بازگرداند. این بار دیگر آزادی باید مهر خود را محکم بر آن جامعه بکوبد و هیچ بهانه و عذری را برای محدودیت خویش پذیرا نشود. و آزادی بی قید و شرط سیاسی به یک اصل بلایی در جامعه بدل شود. ما به هیچ چیز کمتر از این رضایت نمیدهیم. ■

وصف بگوید معذرت میخواهم، خودم را اصلاح میکنم و تمام شود، و مردم برگردند خانه هایشان. کار باید تمام شود. جوان ایرانی میخواهد سایه وحشت و ترس و زور و اجبار از سرش برای همیشه برداشته شود. زن و مرد و پیر و جوان همین را میخواهند. زندانی سیاسی آزاد باید گردد یعنی همین. آن چند صد نفری که مقابل هتل لاله جمع شدند و فریاد زندانی سیاسی را سردادند، پشتیبانی کامل میلیونها نفر را با خود دارند. بگذار داستانهای تلخ این دوره وحشت را در دادگاههای مردم از زبان

کشان وحشی قرون وسطایی را که ساواک و دیکتاتوری شاه را رو سفید کرده اند جارو خواهد کرد. مردم به بند کشیده ایران مدتهاست که به زبانهای مختلف اعلام کرده اند که با این حکومت دیگر کنار نخواهند آمد. از حقوق انسانیشان کوتاه نخواهند آمد. و آنگاه میرزند تا کار را تمام کنند. بالاخره در جایی طاقتم انسان تمام میشود. کارد به استخوان میرسد. و آنجا دیگر نمیتوان ورق را به عقب برگرداند. کسی قبول نمیکند که این حکومت با آنهمه جنایت غیر قابل

مرگ بر جمهوری اسلامی!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!